

جایگاه مهدویت در اسلام

تاریخ پخش: ۱۴/۰۳/۹۴

بسم الله الرحمن الرحيم

«الهي انطقني بالهدى و الهمني التقوي»

عزیزان در سال ۹۴، ماه شعبان و در آستانه ایامی که مربوط به تولد آقا امام زمان (ع) هست بحث را می بینید. بعلاوه اینکه رحلت بنیانگذار جمهوری اسلامی هم هست. بحث من در این ۲۸ دقیقه، یک بیست دقیقه مربوط به آقا امام زمان و چند دقیقه هم راجع به این کاری که امام در جمهوری اسلامی کرد به نام ولایت فقیه. بحث را هم طوری گوش بدهیم که اگر فرهنگی، طلبه ای، مربی، استاد دانشگاهی خواست صحبت کند، کلاسیک باشد که هم گرفتنش آسان باشد، بعضی بحث ها مثل آبگوشت است. آبگوشت را پای دیگ می شود خورد ولی صادراتی نیست. سرد می شود و می ریزد. بعضی بحث ها مغز بادامی است، هم پای درخت می شود خورد و هم می شود به آن طرف دنیا صادر کرد. من سعی کردم این بحث امروز مغز بادامی باشد، چون امام زمان امام حی ما است و ما باید شناخت بهتری داشته باشیم.

برای سلامتی اش صلواتی بفرستید. (صلوات حضار)

۱ - امامت، تداوم راه رسالت:

قرآن یک آیه داریم می گوید: اگر کسی بگوید: خدا پیغمبر نفرستاده است. این خدا را نشناخته است. یعنی چه؟ یعنی خدا حکیم نیست. ما را خلق کرد و رها کرد. یک تخمه هندوانه می رود تا هندوانه شود. هیچ پشیمان نمی شود. یک تخمه خربزه می رود تا خربزه شود. این کُرَات، کل این هستی در حرکت است. آنوقت انسان را خدا رها کرده و گیج کرده و رهبر هم نفرستاده است. کسی اگر بگوید: خداوند رهبر آسمانی و پیغمبر نفرستاده است، این یعنی خدا حکیم نیست. گله گوسفند را چوپان رها نمی کند. این بشر را خدا رها کرد؟ این هم با سلیقه های مختلف، غرایز مختلف، حب و بغض ها و کینه ها و حسادت ها؟ آیه اش چیست؟ قرآن می گوید: «وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ» (انعام/ ۹۱) یعنی قدر خدا را نمی دانند. «حَقَّ قَدْرُهُ» چه کسانی؟ آنهایی که گفتند: «إِذْ قَالُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيَّ بَشِيرًا» یعنی خدا بر بشر وحی نازل نکرده است. «مَنْ شَيْءٍ» این آیه قرآن است. گرچه عربی است ولی فارس ها هم می فهمند. ما که می دانیم، قدر یعنی چه؟ حق قدر یعنی چه؟ آنزل یعنی چه؟ بشر یعنی چه؟ در این آیه پنج، شش کلمه معلوم است. باقی کلمه ها که معلوم نیست کنارش می گذاریم. قدر خدا را نشناختند، آنهایی که گفتند: خدا آفرید، ولی وحی قرار نداد. یعنی بشر را بدون پیغمبر آفرید. پس

اگر خواسته باشیم خدا را بشناسیم، باید بگوییم: خداوند، پیغمبر هم فرستاده است. حالا سر پیغمبر آمدیم. قرآن آیه‌ی دیگر دارد می‌گوید: رسالت پیغمبر هم کامل نیست. مگر اینکه علی بن ابی طالب جانشین او باشد. اگر علی بود، «اکملت لکم» اگر علی نبود، پیغمبر هست. اما دینش کامل نیست. پس شرط خداشناسی وجود پیامبر است. شرط تکامل پیامبر وجود امام است. چرا؟ به دلیل اینکه قرآن می‌گوید: «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ» (مائده/ ۳) امروز که غدیر خم است، امروز دین را کامل کردم. یعنی تا دیروز که علی نبود، دین کامل نبود. تا حالا چه گفتیم؟ شرط خداشناسی، پیغمبر است. شرط پیغمبر، امام است. این هم مورد دوم.

۲ - غلبه اسلام بر جهان در دوران امام زمان علیه السلام :

۳ - ظهور و بروز دین مربوط به آمدن امام زمان است. دین کامل با حضرت مهدی! چطور؟ دین کامل که خوب خواسته باشد جلوه کند با حضرت مهدی است. چون قرآن می‌گوید: «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ» (توبه/ ۳۳) این هم آیه قرآن است. یعنی اسلام کره‌ی زمین را خواهد گرفت. تا بحال که کره زمین را نگرفته است. باید منتظر روزی باشیم که اسلام کره زمین را بگیرد. نصفش را من بگیریم و نصفش را شما بگویید.

شرط خداشناسی این است که خدا مردم را رها نکند. برای مردم... شرط پیغمبر کامل این است که بعد از خودش مردم را رها نکند. شرط اینکه این پیغمبر و امام اهدافشان برسند، این است که شخصی به نام حضرت مهدی ظهور کند، او که آمد «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ». پس ببینید اینها همه به هم وصل است.

خدا هم وعده داده است. «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا» خدا به مؤمنین وعده داده که «لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ» (نور/ ۵۵) مدیریت کره زمین در اختیار مسلمان‌هاست. آمریکا بالا برود و پایین برود. اسرائیل بالا برود و پایین بیاید. آمریکا بالا برود و پایین بیاید. هر چه بشود، بشود. آن کسی که کل هستی را آفرید، فرمود: مدیریت جهان در اختیار متقین است. آیه‌اش این است: «وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ» (اعراف/ ۱۲۸) آیه دیگر داریم، «وَالْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَى» (طه/ ۱۳۲) این دلیل قرآنی ما است.

حالا همه اینها هم که پای تلویزیون هستند، بزرگ نیستند. ممکن است یک کوچولو هم پای تلویزیون باشد. دلش بخواهد یکبار دیگر بشنود. مثل اینکه می‌گوییم: شرط مرد این است که خرجی خانه بیاورد. مرد کامل این است. خانه‌ای کامل است که زن در خانه مدیریت کند. مدیریت خانم کامل این است که غذا را نسوزاند، غذا را از بین نبرد و این غذا را کامل به ثمر بنشانند. شرط خدا این است که مردم را رها نکند، پیغمبر بفرستد. شرط پیغمبر کامل این است که با رفتنش بدون وصیت نرود. امام تعیین کند. امام کامل وقتی

اهدافشان به نتیجه می‌رسد که یک امامی از این امام‌ها تمام مسائل اسلام را پیاده کند. این برای اینکه چون نیمه شعبان است، ما باید... نمی‌توانیم از نیمه شعبان رد شویم، و هیچی نگوییم. منتهی چند نکته اینجا هست.

۳ - انتظار خورشید ولایت در تاریکی های جاهلیت:

یکی اینکه انتظار یعنی چه؟ انتظار یک حالتی است که بنشینیم نگاه کنیم و منتظر باشیم یا عمل است؟ عمل است... چون روایت داریم «افضل اعمال امتی انتظار فرج» نگفته: «افضل احوال امتی». نگفته: بنشین یک حالتی و همینطور نگاه کن. منتظر هستی! ما وقتی منتظر مهان هستیم، بلند می‌شویم کارهایمان را می‌کنیم. یک لشگری که منتظر عملیات است، باید همه مسائل رزمی‌اش آماده باشد. حدیث نمی‌گوید: «افضل حالات امت من» بهترین حال این است که آدم حال انتظار داشته باشد. اگر انتظار یعنی بنشین دستت را روی دستت بگذار و منتظر باش، این یک حال است. نمی‌گوید: بهترین حالات است. می‌گوید: بهترین اعمال است. اعمال یعنی باید بلند شوی تلاش کنی. انتظار به معنی احتضار نیست. می‌گویند: فلانی در حال احتضار است. یعنی پایش را رو به قبله گذاشته و منتظر است بمیرد. انتظار نه احتضار!

شما شب که منتظر خورشید هستید، در تاریکی می‌نشینی؟ نه! ما منتظر خورشید هستیم ولی هیچکس شب تاریک نمی‌نشیند. بلند می‌شویم به مقدار توان برق تهیه می‌کنیم. شما زمستان که منتظر تابستان هستی، یخ می‌کنی؟ نه! منتظر هوای گرم هستیم، اما خودمان هم یک کرسی، بخاری، برقی و زغالی هر چه هست درست می‌کنیم.

این یک مسأله بود. مسأله دیگر یک حدیثی داریم که فکر می‌کنم همه ایرانی‌ها، خیلی از ایرانی‌ها حفظ باشند. امام زمان وقتی می‌آید که دنیا پر از ظلم باشد. «بعد ما ملئت ظلماً». می‌گوید: مگر شما آخوندها اینطور نمی‌گویید؟ می‌گویید: امام زمان وقتی می‌آید که دنیا پر از ظلم شود. پس بگذاریم هرکس هرکاری می‌کند، بکند. همه بیایید ظلم کنیم که دنیا پر شود و آقا تشریف بیاورد. این هم یک اشکال است. وقتی امام زمان (ع) می‌آید که دنیا پر از ظلم باشد. پس کسی امر به معروف و نهی از منکر نکند، کسی مانع کسی نشود، هرکس هرچه می‌تواند ظلم کند، که دنیا زودتر پر شود، آقا تشریف بیاورد. جواب این چیست؟ جواب این است: حدیث نداریم اگر دنیا پر از ظالم شد، آقا می‌آید. می‌گوید: دنیا پر از ظلم شد. بین ظلم و ظالم فرق است. یک مثال بزنم. یکوقت می‌گویم: وقتی در را باز می‌کنیم که اینجا پر از دود شود. یکوقت می‌گویم: وقتی در را باز می‌کنیم که اینجا همه سیگاری بشوند. نگفته وقتی آقا می‌آید که همه مردم ظالم شوند. یعنی همه مردم سیگاری شوند. می‌گویند: سالن پر از دود شود. سالن پر از دود شود معنایش این نیست که همه مردم سیگاری شوند.

ممکن است یک کسی مثل صدام جنایتکار یک کنده درخت اینجا بیاورد، اینجا پر از دود شود. نمی‌گوید: «بعد ما ملئت ظالماً». می‌گوید: «بعد ما ملئت ظلماً». نمی‌گوید: اگر همه مردم ظالم شدند، آقا می‌آید. می‌گوید: اگر دنیا پر از ظلم شد. دنیا پر از ظلم شد، معنایش این نیست که همه مردم ظالم باشند. یک جنایتکار کافی است که دنیا را پر از ظلم کند. یک صدام، یک کنده درخت می‌آورد. دلش می‌خواهد سردار قادسیه باشد. عراق و کویت را خراب می‌کند، ایران را هم خراب می‌کند. اگر می‌گفت: امام زمان وقتی می‌آید که دنیا پر از ظالم شود، باید تک تک ما برویم ظالم شویم که دنیا پر از ظالم شود و آقا بیاید. نمی‌گوید: پر از ظالم شود، پر از ظلم شود. متوجه شدید چه می‌گوییم؟

۴ - زمان قیام امام زمان علیه السلام، از علوم غیب الهی:

سؤال: امام زمان کی می‌آید؟ حدیث داریم هرکس گفت: کی می‌آید، به او دروغ بگویید. «کذب الوقاتون» وقات کسی است که وقت تعیین می‌کند. «کذب» یعنی دروغ می‌گوید. ممکن است امام زمان هفته دیگر بیاید، ممکن است پنج هزار سال دیگر بیاید. ما نمی‌دانیم. ما حق نداریم، نمی‌دانیم. این علمی است که فقط دست خود خداست. بعضی از علم غیب‌ها را اولیای خدا می‌دانند. یکسری علم است که مخصوص خود خداست. یعنی پیغمبرها هم نمی‌دانند. «و بحق علمک الذی استأثرت به لنفسک» یعنی تو را به حق آن علمی که به احدی حتی به انبیاء ندادی. بعضی علم‌های غیب را به انبیاء داده است. می‌گوید: «تلك ابناء الغیب نوحیها الیه» علم غیب را به تو دادیم. علم غیب هم دو دسته است. علم غیب ویژه، گاهی وقت‌ها در یک ساختمان می‌گویند: این مخصوص رئیس جمهور است. حتی وزیر هم بیاید، راهش نمی‌دهند. یکوقت نه می‌گویند: این مهمانان ویژه! حالا هرکس، مدیر هم می‌تواند استفاده کند. هیچکس نمی‌تواند وقت تعیین کند. بله، بعضی‌ها یک ژست‌هایی می‌گیرند، ژست عارفانه! طوری هم حرف می‌زنند به خود من هم گاهی رسیدند و یک حرف‌هایی زدند. آقای قرائتی دعا کن. ظهور نزدیک است!!! به تو چه! اصلاً تو چه کاره هستی که می‌گویی: ظهور نزدیک است یا دور است؟ «کذب الوقاتون»! هرکس می‌گوید: ظهور نزدیک است... وظیفه ما چیست؟

۵ - نمونه ای از طول عمر در قرآن کریم:

امام زمان چگونه این همه عمر می‌کند؟ آخر مثلاً الآن هزار و دویست و خرده‌ای سال با کم و زیاد دارد. حدود ۱۲۰۰ سال دارد. حالا شما ممکن است بگویی: دو هزار سال دیگر بیاید؟ می‌شود یک آدم دو، سه هزار سال عمر کند؟

قرآن یک قصه‌ای را نقل می‌کند، در سوره بقره، یک صلواتی بفرستید. (صلوات حضار)

سوره بقره آیه ۲۵۹، این آیه بزرگی است. ولی چند کلمه را بلد هستید. «یوم» یعنی چه؟ یعنی روز. «هذا» یعنی چه؟ «عام» یعنی چه؟ سال... «مأة» یعنی صد. عرش یعنی کرسی. طعام هم یعنی طعامی که می‌خوریم. شراب یعنی چه؟ یعنی آن چه می‌نوشیم. نه یعنی آب جو! به هر نوشیدنی شراب می‌گویند. قریه یعنی چه؟ قریه یعنی قریه. چند کلمه را می‌فهمیم، باقی هم آیات را می‌خوانم. بگذارید من قصه‌اش را بگویم. پیغمبری سوار الاغ بود و از کنار قریه‌ای می‌گذشت. دید این قریه... اصولاً خودتان هم می‌دانید، یک خانه‌ای که خراب می‌شود، اول سقف می‌ریزد. این پایه‌ها یک مدتی می‌ماند. بعد کم کم پایه‌ها هم می‌ریزد. این را می‌گویند: «خَاوِيَةٌ عَلَى عُرُوشِهَا» (بقره/ ۲۵۹) یعنی اینقدر ساختمان کهنه است که دیگر پایه هم روی سقف افتاد. سقف که خیلی سال است پایین آمده است. دیگر پایه‌ها هم روی سقف برگشت. این را می‌گویند: «خَاوِيَةٌ عَلَى عُرُوشِهَا» یعنی پایه روی سقف افتاده است. یعنی ساهاست خراب شده است.

پیغمبری سوار الاغ بود. می‌گویند حضرت عزیر بود. از کنار قریه‌ای می‌رفت. دید این قریه از آن قریه‌هایی است که ساهها کهنه شده است و سقف که هیچ، پایه‌هایش هم روی سقف افتاده است. از خدا پرسید: خدایا این مرده‌ها را چطور زنده می‌کنی؟ تا گفت: چطور زنده می‌کنی؟ خدا مرگش داد... پیغمبر مرد! الاغ هم مرد. بعد از صد سال او را زنده کرد. از او پرسید: چند وقت هست اینجا هستی؟ چشم‌هایش را مالاند و «یوماً» یعنی چه؟ «وَبَعْضَ يَوْمٍ» یا یک روز و یا قسمتی از یک روز! گفت: نه! صد سال پیش سؤالی کردی، چطور؟ تو را مرگ دادم. حالا نگاه کن، می‌خواهم روبروی چشم تو الاغ را زنده کنم. استخوان‌های الاغ سر هم جفت شد، پوست و گوشت هم رویش دواند و شروع به عر عر کردن کرد. گفت: اینطور... گفت: حالا نگاه به نوشیدنی‌ات کن! «فَانظُرْ إِلَى طَعَامِكَ وَشَرَابِكَ» نوشیدنی‌ات را ببین. طعامت را هم ببین. غذایت را نگاه کن. «لَمْ يَتَسَنَّه» این غذا هیچ تغییری پیدا نکرده است.

حالا امتحان ریاضی، یک سال ۵۲ هفته است. غذا بیرون از یخچال بعد از دو هفته خراب می‌شود. این غذا صد سال بیرون از یخچال خراب نشد. صد سال چند تا ۵۲ تا است؟ ۱۰۰ تا ۵۰ تا ۵۰۰۰ تا! ۱۰۰ تا هم دو تا، دویست تا! پنج هزار و دویست برابر عمر طبیعی این غذا سالم است. غذایی که باید یک هفته خراب شود، پنج هزار و دویست هفته خراب نشد. خداوند می‌خواهد در این آیه بگوید: من اگر بخوایم، غذایی که یک هفته خراب می‌شود، پنج هزار برابر عمر طبیعی آن سالم نگه می‌دارم. عمر امام زمان چیزی نبوده است. شما ماشین حساب دارید. ۱۲۰۰ سال را تقسیم بر ۷۵ سال کن. ده، دوازده برابر عمر طبیعی‌اش زنده است. تا

پنج هزار سال جا دارد. قرآن بخوانم. «أَوْ كَالَّذِي مَرَّ عَلَىٰ قَرْيَةٍ» از کنار قریه‌ای می‌رفت. «وَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَىٰ عُرُوشِهَا» پایه‌هایش هم روی سقف ریخته بود. «قَالَ» پرسید «أَنْتِ يُحْيِي هَذِهِ اللَّهُ بَعْدَ مَوْتِهَا» خدا چطور اینها را بعد از مرگش زنده می‌کند؟ «فَأَمَاتَهُ اللَّهُ مِائَةَ عَامٍ» خدا مرگش داد. «ثُمَّ بَعَثَهُ» شما معنا کنید... بعد از صد سال مبعوث شد. یعنی زنده شد. «قَالَ» از او پرسید: «كَمْ لَبِثْتَ» چند وقت است اینجا هستی؟ چه کسی گفت؟ خدا گفت یا بنده خدا؟ خدا... «قَالَ لَبِثْتُ يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ» یک روز یا نصف یک روز! گفت: نخیر! «قَالَ بَلْ لَبِثْتَ مِائَةَ عَامٍ فَانظُرْ إِلَىٰ طَعَامِكَ وَشَرَابِكَ لَمْ يَتَسَنَّهْ» نگاه کن به غذا و نوشیدنی‌ات، «لَمْ يَتَسَنَّهْ» یعنی «لم يتغير» این آیه به ما می‌گوید: قدرت خدا محدودیت ندارد... اگر خواستی به بچه‌ات هم درس بدهی، این برای بزرگ‌ها بود که قرآن خواندم. به بچه‌ها هم بگو: بین آقاجون، موی ابرو هشتاد سال ثابت است. موی مژه هشتاد سال، نود سال، صد سال ثابت است. موی سر و صورت را هرچه اصلاح می‌کنی هفته دیگر جایش پر می‌شود. پوست یکی و گوشت یکی، نان یکی و آب یکی، کربن یکی و اکسیژن یکی. خدا خواسته یک مو ثابت و یک مو متغیر باشد. همانطوری که در هر صورتی یک مو ثابت است و یک مو متغیر است، خدا در جامعه یک آدم را ثابت نگه می‌دارد و باقی آدم‌ها را متغیر... اشکال دارد یک نفر را زنده نگه دارد؟

۶ - پیشگیری از بروز آسیب‌های مهدویت:

مسئله‌ای که اینجا هست این است که در این مهدویت یک آسیب‌هایی هم داریم. یکی انتظار منفی است. اینجا من ده نکته نوشتم. اینها آسیب‌شناسی که در مسئله امام زمان هست. ۱ - بعضی‌ها می‌گویند: انتظار یعنی خودت کار نکن. هر وقت صلاح باشد خود آقا می‌آید و درست می‌کند. این معنای منفی است. این انتظار یعنی احتضار یعنی مرده، هیچی، بی‌خاصیت و بی‌تفاوت!

۲ - می‌گویند: امام زمان می‌آید گردن‌ها را می‌زند. از امام زمان یک چهره خشن معرفی می‌کند. این هم کار غلطی است.

۳ - یک عده دکان باز کردند و می‌گویند: ما خدمت امام زمان می‌رسیم. بله، بعضی اولیای خدا خدمت امام زمان می‌رسند. ولی اینها که فعلاً می‌گویند: خدمت امام زمان می‌رسیم دکان دارند. ما الآن چند امام زمان زنده هم داریم. همینطور بلند می‌شود و یک چیزی می‌گوید.

زن داریم آمد گفت: من همسر امام زمان هستم. برای اینکه باقی زن‌ها دور او جمع شوند. من گفتم: این زن را بگیرد و در مردها زندانی‌اش کنید. چون امام زمان غیرت دارد. اجازه نمی‌دهد زنش در مردها باشد. آنوقت می‌آید زنش را نجات می‌دهد، می‌گوید: وای ظهور کرد! (خنده حضار)

بعضی می‌گویند: چهل شب جمکران بروید، امام زمان را می‌بینید. می‌خواهید چه کنید؟ در زمان پیغمبر کسی بوده چهل شب احیا بگیرد که یک شب پیغمبر را ببیند؟ شما بین رضایت پیغمبر چیست؟ رضایت پیغمبر چیست؟ ممکن است آدم‌هایی باشند، هر روز هم امام خمینی را ببینند، ولی امام از دستشان راضی نباشد. ممکن است آدم‌هایی باشند اصلاً امام... خیلی از این بسیجی‌هایی که جبهه شهید شدند، اصلاً امام خمینی را ندیدند ولی جانشان را دادند. محور رضایت امام است نه ملاقات امام!

مسئله دیگر این است که تطبیق‌های نابجا می‌کنند. یعنی علائم ظهور را با اتفاق‌هایی که می‌افتد می‌گویند: بین این دجال همین قطار است. یکی می‌گوید: این دجال هلی کوپتر است. یکی می‌گوید: دجال فلانی است. تطبیق بدهیم. هرکسی یک چیزی را تطبیق می‌دهد. آقا آن شیخ کاشانی که سی و چند سال است پای تلویزیون شب‌های جمعه با تخته سیاه می‌نویسد، می‌گوید: او قرائتی است؟ از کجا معلوم قرائتی باشد؟ ممکن است بعد از مرگ ما صد تا کاشانی دیگر بیایند، پای تخته سیاه... اینکه حالا شما یک چیزی به ذهنت می‌آید، می‌گویی: اوی اوی! نه نمی‌توانیم بگوییم. تطبیق نکنیم... مدعیان دروغگو! عجله در ظهور!

۷ - خطر ظهور تفکر واقفیه در انقلاب اسلامی ایران:

خیلی‌ها هم آرزوی بی‌عمل دارند. خیلی‌ها هم امام زمان را قبول دارند، نایبش را قبول ندارند. مثل واقفیه! واقفیه یک گروهی بودند تا امام هفتم را قبول دارند. هفت امامی هستند. چرا؟ برای اینکه در امام هشتم منافعشان از بین رفت. امام هفتم یک ناپندگانی داشت، خمس و زکات را می‌گرفتند. خوب باید پول را به امام بعدی می‌دادند. امام کاظم از دنیا رفت. شهید شد. اینها اگر بگویند: بعد از امام کاظم، امام رضا است، باید پولها را بدهند. برای اینکه پولها را بخورند، گفتند: اصلاً هفت تا امام بیشتر نداریم. اصلاً همانجا متوقف شدند. ما در انقلاب آدم‌هایی داریم واقفیه! یعنی امام خمینی را قبول دارند. مقام معظم رهبری را نق می‌زند. چرا؟ برای اینکه به هر حال می‌بیند منافعش در خطر است. در انقلاب هم واقفیه داریم. یعنی یکجا می‌ایستند. خانم‌های واقفیه خیلی داریم. می‌گوید: روزه می‌گیرم و نماز هم می‌خوانم اما حجاب را قبول ندارم. بازاری‌ها، دو روز گریه می‌کند. روز عاشورا میلیون‌ها تومان خرج می‌دهد. خمس نمی‌دهد. می‌گوید: خمس نمی‌دهم اما اگر می‌خواهی روز عاشورا ده میلیون، پنجاه میلیون خرج می‌دهم. یک میلیون خمس نمی‌دهد ولی پنجاه میلیون برای امام حسین می‌دهد. اینها آدم‌هایی هستند که هر جا از اسلام خوششان می‌آید، عمل می‌کنند. اینها واقفیه هستند. هر جای اسلام خوششان نیاید، اینها واقفیه هستند. یعنی سر یک ایستگاه توقف می‌کنند. اینها آسیب‌هایی است که باید...

وظیفه ما اول اینکه امام را بشناسیم. خیلی هم چیز نکنیم. یک عده گفتند: ما باید در ولایت فقیه ذوب شویم. خدا مقام معظم رهبری را سلامت بدارد. امام گفت: ذوب شوید یعنی چه؟ ما کلمه ذوب نداریم. معرفت داریم، بشناسیم. محبت داریم، «الا المودة فی القربی» بعد هم اطاعت کنیم. ذوب در ولایت شویم یعنی چه؟ بعضی‌ها شورش می‌کنند. مملکت ما یا بیستون است یا چهل ستون است. بابا چهار ستون است. در کشور ایران هم بیستون داریم، هم... هر دو هم دروغ است. چهل ستون اصفهان می‌روی می‌گویند: آقا اینکه بیست تا بیشتر نیست. می‌گوید: خوب بیست تا هم در آب افتاده است. عکس بیست ستون در آب است. کرمانشاه می‌رویم، می‌گوییم: بیستون نیست. کوه است! می‌گوید: خوب کوه جزء ستون نیست. ما افراط و تفریط می‌کنیم.

ما نسبت به ولایت فقیه، نایب، مجتهد جامع الشرایط، ولی امر، مقام معظم رهبری و مراجع تقلید، هر کس مجتهد جامع الشرایط شد یعنی نایب امام زمان است. باید از اینها اطاعت کنیم. هم برایشان دعا کنیم. هم صدقه بدهیم. هم توجه داشته باشیم اعمال ما به حضرت عرضه داده می‌شود.

واقعاً امام زمان می‌شود بیاید؟ دیگر این دو، سه دقیقه آخر را راجع به امام صحبت کنیم. چون سالگرد حضرت امام هم هست. امام زمان چه می‌خواهد کند؟ دعای ندبه نوشته چه می‌خواهد بکند. «این هادم ابنیه الشرك و النفاق» ای مهدی جان بیا ساختمان‌های شرک و نفاق را خراب کن. اگر امام خمینی دستور داد قبر رضاشاه را خراب کنند، پس باقی ساختمان‌های کفر و نفاق را می‌شود خراب کرد. «این معز الاولیاء» امام خمینی آمد اولیاء خدا را عزت داد و «مذل الاعداء» دشمنان را ذلیل کرد. نصیری‌ها، هویداها، شاپور بختیارها، یک ذره اینها ترسیدند و لرزیدند و فرار کردند و اعدام شدند. یکسری هم افرادی مثل رجایی‌ها، اینها بالا آمدند. قانون خدا اگر در ایران یک گوشه عملی شد، پس می‌شود باقی دنیا هم یک کسی بیاید، دنیا را عوض کند. خود وجود امام و برنامه‌های امام پرتو و جرقه‌ای بود از جریان مهدویت.

این ولایت فقیه برای خداست. این برای امام خمینی است؟ نه! بعضی‌ها فکر می‌کنند ولایت فقیه برای امام خمینی است. یا می‌گویند: برای مرحوم نائینی بوده، شیخ انصاری هم اشاره کرده و و... امروز من در این دقیقه آخر یک آیه می‌خوانم، ولایت فقیه قبل از اسلام بوده است. یعنی قبل از عیسی بوده، زمان موسی بوده است. آیه‌اش هم آیه آسانی است. بعضی از آیات خیلی آسان است. آیه آسان را برای شما بخوانم.

۸ - ولایت عالمان دین، در زمان غیبت امام زمان (عج):

بسم الله الرحمن الرحيم، «إِنَّا أَنْزَلْنَا التَّوْرَةَ» (مائده/ ۴۴) چه کسی می‌تواند این را معنا کند؟ ما تورات نازل کردیم. تورات برای حضرت موسی است. «فیها» یعنی در این تورات، «فِیْهَا هُدًى وَنُورٌ» در تورات هم هدایت است، هم نور. این برای کتاب آسمانی است. بعد می‌گوید: «يُحْكُمُ بِهَا النَّبِيُّونَ» یعنی حکومت می‌کند، یا داوری می‌کند. «بها» یعنی به تورات، «النَّبِيُّونَ» یعنی انبیاء، منتهی نبیون را تعریف کرده، نبیون کذا و کذا... دیگر غیر از نبیون چه کسی می‌تواند حکومت کند؟ «وَالرَّبَّانِيُّونَ» ربانی «وَالْأَحْبَارُ»... «وَالرَّبَّانِيُّونَ وَالْأَحْبَارُ» یعنی علما، یعنی ما کتاب آسمانی تورات را فرستادیم. در این کتاب آسمانی هدایت و نور است. حکومت می‌کنند طبق این کتاب آسمانی، چه کسی حکومت می‌کند؟ انبیاء بعد هم می‌گوید: علما... «وَالرَّبَّانِيُّونَ وَالْأَحْبَارُ» یعنی علما، یعنی علما طبق تورات حکومت می‌کنند. ولایت فقیه هم همین است. ولایت فقیه یعنی فقیه جامع الشرایط طبق قانون قرآن حکومت می‌کند. پس ولایت فقیه برای اسلام نیست. در ادیان قبل هم بوده است. منتهی سلام و صلوات خدا بر امام خمینی که آمد و این ولایت فقیه را از کتاب‌ها آورد و عملیاتی کرد. مثل انرژی هسته‌ای، انرژی هسته‌ای بوده، منتهی دانشمندان ما این را کشف کردند. آهن بوده می‌آیند استخراج می‌کنند. پس ولایت فقیه برای اسلام نیست. ما تورات فرستادیم. در تورات نور و هدایت است. حکومت می‌کنند بر تورات، انبیاء. دیگر چه کسانی حکومت می‌کنند؟ علماء. حکومت علما بر اساس کتاب آسمانی. این ولایت فقیه است. الآن هم ولایت فقیه یعنی حکومت ولی امر طبق کتاب آسمانی.

خدایا هرچه به عمر ما اضافه می‌کنی، به ایمان و یقین و علم و عمل و معرفت و مودت و اطاعت و اخلاص و عمق و برکت کار ما بیفز. همه منحرفین هدایت و همه هدایت شده‌ها را از هر رقم انحراف حفظ بفرما.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته